

مطالعه تطبیقی «مسئولیت محض» در حقوق کیفری*

صادق شریعتی‌نسب^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۶/۱۳

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران

تاریخ تأیید: ۹۱/۱۲/۲۲

چکیده

مسئولیت‌های محض مواردی هستند که برای تحقق، به برخی از ارکان عادی مسئولیت نیازی ندارند. در حقوق کیفری هرگاه بی‌نیاز از احراز رکن روانی جرم باشیم، با مسئولیتی محض مواجهیم. ماهیت چنین جرمی مبهم است و مصادیق آن نیز به گونه‌ای منظم گردآوری نشده. همچنین، به معیاری برای تشخیص نیاز دارد و اقسام پراکنده آن، قواعدی عمومی می‌طلبد. با این حال در حقوق داخلی و خارجی می‌توان مصادیقی از این جرائم را یافت. معیار تشخیص آن‌ها را باید مجموعه‌ای منعطف از سه معیار «ننگ»، «اهمیت»، و «ماهیت کیفری یا انضباطی» جرم دانست. چون همه مصادیق «جرائم محض» از یک قسم نیستند، باید قواعد عمومی آن‌ها را دسته‌بندی کرد. در این زمینه، پنج گروه از جرائم با اهداف و کارکردهای متفاوت قابل شناسایی است: جرائم مبتنی بر اتلاف؛ سبب اقوی از مباشر؛ فرض ابطال‌ناپذیر تقصیر؛ فرض ابطال‌پذیر تقصیر؛ و جرائم رفتاری.

واژگان کلیدی: مسئولیت محض، مسئولیت کیفری محض، جرم محض، تقصیر، عوامل رافع مسئولیت

مقدمه

مسئولیت‌های مدنی و کیفری، اهداف یکسانی را دنبال نمی‌کنند: سزادهی، بیمناکی (تذخیر) و اصلاح یزدکار و ترمیم جامعه، اهداف بار نمودن یک کیفر هستند. عجین بودن چنین مسئولیتی با مفهوم «جرم»، آن را بدل به واکنشی تنبیهی می‌کند؛ آینه‌ای که در آن مکافات عمل، بازتاب نیت پلید و رفتار ناشایست خطاکار است. اما مسئولیت مدنی، بیش از آنکه درگیر نیت زشت و رفتار قابل سرزنش عامل زیان باشد، به تمهید راهی برای جبران ضرر می‌اندیشد.

البته این دو از جهاتی به هم نزدیک می‌شوند: تقصیر، مرز مشترک میان آن‌ها است. در مسئولیت مدنی، اصولاً زمانی می‌توان تکلیف به جبران ضرر را بر کسی تحمیل کرد، که مرتکب نوعی تقصیر شده باشد. از سوی دیگر، رکن روانی پاره‌ای از جرائم نیز تقصیر است. اما گاهی این مرز مشترک جای خود را به مفهوم دیگری وامی‌گذارد؛ یعنی یک مسئولیت محض و بدون تقصیر.

*. این مقاله را به «پدر حقوق ایران»، استاد دکتر ناصر کاتوزیان تقدیم می‌کنم. اساس این نوشتار، به شوق مشق درس «مسئولیت مدنی تطبیقی» ایشان نگاشته شد.

1. Email: shariatina@ut.ac.ir

اگر مسئولیت محض در حقوق مدنی به طور محدود پذیرفته شده است، در حقوق جزا خلاف اصول است و بسیار نامأنوس جلوه می‌کند؛ به گونه‌ای که گاهی وجود چنین مسئولیتی را در حقوق جزا به کلی انکار می‌کنند و در برابر آن جبهه می‌گیرند. اگر هم مصداقی برای آن یافت شود، آن را اشتباه ناشیانه قانونگذار می‌پندارند. به همین دلیل، مصادیق این جرائم مبهم و پراکنده است و به سختی می‌توان مجموعه‌ای هماهنگ را از آن‌ها یافت. از سوی دیگر، به طور معمول بسیاری از مصادیق و اصول مربوط به مسئولیت محض، در ضمن آراء و قضاوت‌ها شکل می‌گیرد. همین امر، استخراج مبانی و قاعده‌مندسازی آن‌ها را دشوارتر می‌سازد.

پس در آغاز باید پرسید منظور از مسئولیت محض در حقوق کیفری چیست و چه مناسبتی با این نوع از مسئولیت در حقوق مدنی دارد؟ سپس چه مصادیقی برای آن در حقوق داخلی و خارجی می‌توان یافت؟ معیار تشخیص جرائمی که ذیل این مسئولیت می‌گنجد چیست؟ و در نهایت، چه قواعد مشترکی را برای حکومت بر اقسام پراکنده این جرائم می‌توان بازشناخت؟ بنابراین به مطالعه‌ای دقیق بر مفهوم، حدود، و آثار این نوع مسئولیت در حقوق کیفری نیاز است تا ارکان و ویژگی‌های آن را بنمایند و قواعدی برای اجرایش به دست دهد. در ادامه، مفهوم، مصادیق، معیار تشخیص و قواعد عمومی «مسئولیت محض» را در حقوق کیفری بررسی می‌کنیم.

۱- مفهوم مسئولیت محض^۱

عبارت «محض»^۲ در عنوان مسئولیت، اشاره به نوعی رهایی و بی‌قیدی غیرمعمول دارد؛ قیودی که بر ارکان عادی مسئولیت بار می‌شوند و بنا به قاعده، هر مصداقی می‌باید بر آن‌ها استوار باشد. بنابراین، مسئولیت محض باید مسئولیتی استثنایی و ویژه باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

اما اینکه مسئولیت محض کدام قید و رکن مسئولیت را ندارد، امری نسبی و موردی است. نخست اینکه، ممکن است از هر سیستم حقوقی به دیگری متفاوت باشد و دوم، در یک سیستم حقوقی نیز، دامنه آن می‌تواند از موردی به مورد دیگر گونه‌گون باشد. با وجود این، حالت میانه این مسئولیت همواره امری مسلم است: ۱- بی‌قیدی آن هیچ‌گاه به «اطلاق» نمی‌رسد و بنابراین، مسئولیت محض باید خفیف‌تر از مسئولیت مطلق^۳ باشد؛ و ۲- به هر روی پاره‌ای از ارکان عادی را ندارد و یک مسئولیت سنتی تمام‌عیار نیست (همان).

1. Strict liability
2. Strict
3. Absolute liability

برای اینکه مفهوم مسئولیت محض به شکلی گویاتر بیان شود، باید آن را در دو زمینه مدنی و کیفری از هم جدا ساخت: چراکه این دو، مفهوم یکسانی ندارند (بادینی، ۱۳۸۴: ۲۱۳، پانوش ۷۰۲). در ادامه، مفهوم این نوع مسئولیت را به تفکیک در هر یک از این دو حیطه می‌کاویم.

۱-۱- مسئولیت مدنی محض

مسئولیت مدنی محض، در واقع گامی به سوی «مسئولیت نتیجه» به جای «مسئولیت فعل نامشروع» است. برآیند این سیر، حذف عامل «تقصیر» از ارکان ضروری مسئولیت است. بنابراین برای مسئول شناختن عامل زیان، کافی است او مرتکب عملی شده باشد که از آن ضرری برخاسته. به بیان دیگر، ارکان دعوی مسئولیت محض عبارتند از: ۱- تحقق زیان؛ ۲- انتساب زیان به اقدام خواننده (رابطه سببیت میان عمل منتسب به خواننده و زیان).

نظریه پردازان تقصیر محور، میان رفتار بدون تقصیر انسان و قوه قاهره تفاوتی نمی‌بینند و هیچ‌کدام را ضمان آور نمی‌پندارند. یعنی در نظر آنان، تنها با تقصیر برای انسان مسئولیت و تعهد پدید می‌آید و بدون آن، برای زیان دیده بخت بد و افسوس برجای می‌ماند. اما در مسئولیت محض، «خسارت» مرکز بحث است. در حالی که مسئولیت مبتنی بر تقصیر ناشی از خطا است، مسئولیت محض ناشی از تکلیف به جبران زیان است (= لاضرر): اگر چه قصوری در کار نباشد. این مسئولیت مبتنی بر یک اصل اخلاقی است: تا جای ممکن نباید ضرری وارد شود، اما اگر این امر ممکن نیست، باید ضرر وارده را جبران کرد (Keating, 2011: 4).

بنابراین، برخلاف معمول، نیازی به اثبات رکن تقصیر در فعل خواننده نیست و حتی احراز بی تقصیری او نیز مانع مسئولیت نمی‌شود: کافی است رفتار او «سبب» زیان باشد (Abraham, 2011: 5); (Sykes, 2007: 9-10). چنین رویکردی، به قاعده لاضرر و تضمین حق نزدیک می‌شود و در پی استدراک تمامی زیان‌ها است: آرمانی که نمی‌خواهد هیچ خسارتی را بدون پاسخ رها کند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۰۷ به بعد).

مسئولیت دارندگان و رانندگان خودرو نسبت به حوادث ناشی از رانندگی (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۵۰۸/۱ به بعد)، مسئولیت ناشی از تولید یا تزریق خون آلوده (Goldberg, 2002: 165-200)، خسارات ناشی از فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک^۱ (Sykes, 2007: 1-24; Van Boom, 2004: 1-22) و (Salvador-Coderch et al., 2009: 21; Bergkamp, 2000: 1-25) و مسئولیت ناشی از عیب تولید کالای صنعتی (ر.ک: کاتوزیان: ۱۳۸۴)، از جمله موارد مسئولیت مدنی محض هستند.

۱. برای فعالیتی که به گونه‌ای غیرعادی خطرناک است (Abnormally Dangerous Activities)، مصادیقی ذکر کرده‌اند، از جمله: حفاری برای نفت، ضد عفونی سازی (گندزدایی) و در سال‌های اخیر، ذخیره بنزین. مثال‌های سنتی نیز شامل: انفجار و [نگاهداری] حیوانات خطرناک هستند (Salvador-Coderch et al., 2009: 21).

۱-۲- مسئولیت کیفری محض

منظور از مسئولیت کیفری محض، آن دسته جرائمی است که بدون نیاز به اثبات قصد، آگاهی، بی احتیاطی (بی پروایی)، یا تقصیر، محقق می‌شوند (Ashworth, 1992: 135-136). پس مسئولیت کیفری محض اشاره به مکافات‌هایی دارد که برخلاف معهود، بدون ارزیابی حالت روانی مرتکب بر او تحمیل می‌شود. این مسئولیت کیفری، در واقع از منظر عنصر معنوی «محض» است و برای تحقق آن، دو عنصر قانونی و مادی جرم کافی است (Reid, 2008: 173) و (گلدوزیان، ۱۳۸۳ الف: ۱۸۸).

با استقرای مقررات پراکنده می‌توان گفت مراد از این مسئولیت، موردی است که کسی مقررهای را نقض کند و برای محکومیت وی، همین امر کفایت کند (Wasserstrom, 1960: 733): یعنی برای وقوع جرم، دو عنصر مادی و قانونی کافی باشد. از این پس، جرائم مشمول مسئولیت محض^۱ را به اختصار «جرائم محض» می‌خوانیم.

گسترش پاره‌ای از جرائم محض، به قرن نوزدهم باز می‌گردد. به دنبال انقلاب صنعتی، حجم وسیعی از قوانین انضباطی در حیطه‌های نوینی چون سلامت عمومی، ایمنی، و رفاه عمومی گذرانده شد. این روند در قرن بیستم با پیچیده شدن جامعه تسریع شد و مقررات جدیدی طلبید. قوانینی نیز در زمینه‌های مقررات عبور و مرور، حمایت از مصرف‌کنندگان، کنترل غذا و داروی ناسالم، حفاظت محیط زیست و از این دست، پی در پی تصویب شدند. در این میان، مسئولیت کیفری ابزاری مفید برای اجرای چنین مقرراتی دانسته شد. زیرا بهتر می‌توانست حس مراقبت و پیشگیری را برانگیزد. از سوی دیگر بسیاری از این فعالیت‌ها، صدمه‌های جدی در بر داشتند (Clarkson, 1987: 93).^۲

علت حقیقی شیوع جرائم محض را باید در مشکل اجرای قانون جست. زیرا ضرورت اثبات تقصیر، می‌تواند تأثیر قانون را کند کند. به عنوان نمونه، در فروش غذای ناسالم یا تقلبی، اگر چه پیشرفت علم شیمی کشف تقلب را آسان‌تر کرده، گسترش چشم‌گیر استانداردهای کالا و پیچیدگی ترکیبات آن‌ها، حقیقتاً اثبات آگاهی تولیدکننده یا فروشنده را از عیب کالا دشوار ساخته است. در چنین شرایطی، پافشاری قانون بر عنصر روانی، به معنای متروک ماندن آن است. از این گذشته، مسئولیت محض خود عاملی برای احتیاط بیشتر است. مثلاً در مورد بالا، چنین مسئولیتی سرمایه‌دار را وادار به گماردن کارشناسانی از شیمی‌دانان و میکروبی‌شناسان می‌کند و سود این تدبیر، در نهایت به جامعه می‌رسد (Ashworth, 1992: 139-140); (Clarkson, 1987: 94).

1. Strict liability offences

۲- برای دیدن نقد این استدلال‌ها، ر.ک: Clarkson, 1987، ص. ۹۶ به بعد.

چنین جرائمی را گاهی جرم مادی محض یا صرفاً مادی^۱ (Bouzat et Pinatel, 1970: 262, N. 176):
میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸: ۳۷۵، پانوشست ۴: ویسیدی، ۱۳۷۳: ۲/۲۷۸) یا جرم رفتاری^۲
(کلارکسون، ۱۳۷۱: ۱۵۰) می خوانند. عده‌ای نیز آن را «خلاف»^۳ (Bouzat et Pinatel: Ibid):
اردبیلی، ۱۳۷۹: ۲۵۰) یا جرم انضباطی^۴ (صانعی، ۱۳۷۱: ۱/۳۲۶ و ۴۰۲) نامیده‌اند.

۲- مصادیق جرائم محض

مسئولیت کیفری محض در حقوق داخلی و خارجی، بعضاً مصادیق متفاوتی دارد. با این حال، گاهی نیز می‌توان به موارد مشابهی دست یافت. همچنین، مقایسه حقوق داخلی با حقوق خارجی، در بر دارنده ایده‌های مفیدی است و می‌تواند هدایت‌گر ذهن باشد. پس، در زیر به طور جداگانه به نمونه‌هایی از این جرائم در حقوق خارجی و داخلی اشاره می‌شود.

۲-۱- مصادیق جرائم محض در حقوق خارجی

در حقوق کشورهای خارجی (قوانین و رویه قضایی)، مصادیق متعددی از جرائم محض مطرح شده است. پاره‌ای مصادیق را هم دکترین به قانونگذار و رویه قضایی پیشنهاد کرده است. در ادامه، مواردی از آن‌ها خواهند آمد.

۱- فروش مواد مخدر: نقطه عطف جرائم محض در امریکا، پرونده بالینت^۵ در سال ۱۹۲۲ بود. در این پرونده، خواندگان به واسطه فروش مواد مخدر تحت تعقیب قرار گرفتند. آن‌ها ادعا کردند نمی‌دانستند آنچه فروخته‌اند، مواد مخدر بوده و چون کیفرخواست به مسئله ناآگاهی آن‌ها توجه نداشت، بدان اعتراض کردند. اما دیوان عالی^۶ در رسیدگی شکلی خود، این ایراد را نپذیرفت و چنین امری را مانع صحت دادرسی ندانست (Wasserstrom, 1960: 732-733).

۲- قتل در حین ارتکاب جرم: عده‌ای از حقوق دانان امریکایی بر این عقیده‌اند که برخلاف قتل ساده^۸ که برای تحقق نیازمند سوءنیت است، قتل در حین ارتکاب جرم نیازی به قصد ارتکاب قتل ندارد. با این استدلال که، قتل در حین ارتکاب جرم، نیت مجرمانه خود را از جرم پایه (مسبب) می‌گیرد. به عنوان مثال، اگر کسی در حین ارتکاب سرقت دیگری را بکشد، به مجازات آن محکوم خواهد شد، هر چند که این قتل اتفاقی و بدون سوءنیت باشد. زیرا در اینجا، جرم قتل عنصر معنوی خود را از جرم سرقت وام می‌گیرد؛ یعنی عمل نامشروعی که خطری قابل ملاحظه در بر دارد (Cole, 1990: 1-2).

1. Infraction purement matérielles
2. Conduct crime
3. Contravention
4. Regulatory offence
5. United States v. Balint
6. United States Supreme Court
7. Killings during crime
8. Simple killing

عده‌ای تا این اندازه پیش نرفته‌اند و هر جرم حادث در نتیجه ارتکاب جرم دیگر را اگر نه عمد، دست کم سزاوار تشدید دانسته‌اند (Simons, 2011: 1-18). همچنین می‌توان بر این عقیده بود که اگر دومین جرم، ناشی از خطر ذاتی^۱ جرم نخست باشد، برای مجازات جرم دوم نیازی به اثبات عنصر روانی نیست (Ibid. 9). به عنوان مثال، قتل در اثر تصادف، خطر ذاتی ناشی از رانندگی خطرناک است.

۳- جرائم علیه محیط زیست^۲: بند ۱ از ماده ۱۷ قانون جنگل‌داری انگلیس (Forestry Act 1967) در مورد قطع غیرمجاز درختان، نمونه‌ای از این مورد است (Reid, 2008: 183). به عنوان نمونه‌ای دیگر، مجلس لردان در پرونده وودوارد^۳ در سال ۱۹۷۲، متهم را که یک شرکت تولید کاغذ بود، به دلیل ریختن فاضلاب کارخانه به رود محکوم کرد. هر چند که وی، فیلتر تصفیه فاضلابی تعبیه کرده بود که پمپ آن، به طور اتفاقی از کار افتاده بود. در این پرونده، دادگاه به ناآگاهی متهم از خرابی تجهیزات و غیرقابل پیش‌بینی بودن آن توجه نکرد زیرا این جرم (آلوده کردن رودخانه)، یک جرم محض بود (Clarkson, 1987: 93).

۴- جرائم اداری و انضباطی: به عنوان نمونه، وفق مقررات هواپیمایی وزارت دفاع امریکا^۴، پرواز در ارتفاع زیر یکصد پا ممنوع است مگر اینکه به طور استثنایی تجویز شده باشد. در پرونده جکسون^۵، خلبان، زیر ارتفاع مجاز پرواز می‌کند و به یک برج برخورد می‌کند و خساراتی به بار می‌آورد. در این دعوی، هیچ‌گاه مشخص نشد که آیا خلبان واقعاً می‌دانسته که زیر صد پا پرواز کرده است یا خیر. اما دادگاه او را محکوم کرد. این فرض که خلبان مجرب یک جت پیش‌رفته «باید» از چنین امری مطلع باشد، دادگاه را تحت تأثیر قرار داد. اینکه پرواز مزبور منجر به وقوع حادثه شد نیز، در محکومیت خواننده بی‌تأثیر نبود (Reid, 2008: 184).

۵- جرم تجاوز حکمی^۶: در بیشتر ایالات امریکا، جرم تجاوز در قانون پیش‌بینی شده است. این جرم، ناظر به برقراری رابطه جنسی با افراد زیر سن قانونی (زیر ۱۶ سال) است. در صورت ارتکاب، در اکثر ایالات، اثبات اشتباه مرتکب در تشخیص سن طرف مقابل بی‌تأثیر است: هر چند قضاوت متهم نسبت به سن شاکی، تحت تأثیر ظاهر، تحریک جنسی و کلمات فریبنده وی بوده، یا اینکه متهم اقدامات احتیاطی را برای تشخیص سن واقعی او به کار برده باشد (Bergelson, 2011: 56-57 and 70). در این زمینه، حتی اگر متهم حقیقتاً اعتقاد به سن قانونی

1. Intrinsic risk
 2. Environmental crimes
 3. Alphacell Ltd v. Woodward
 4. Ministry of Defense Aircraft Regulations
 5. R v. Jackson
 6. Statutory rape

شاکلی داشته باشد، گواهی ولادت وی را بازرسی کرده باشد، با آموزگار او صحبت کرده باشد و یا از مادر او استشهادیه‌ای دریافت کرده باشد، باز هم سبب معافیت او از مجازات نمی‌شود (Ibid: 70).

۶- تخلفات رانندگی را نیز باید در زمره مسئولیت‌های محض آورد. زیرا برای تحقق جرمه در آن‌ها، نیازی به اثبات سوءنیت و یا حتی تقصیر نیست. تخلفات رانندگی و از جمله سرعت غیرمجاز در حقوق امریکا، این‌گونه است (Bergelson, 2011: 65). همچنین است در حقوق انگلیس (Reid, 2008: 183).

۷- مسئولیت کیفری نیابتی^۱ یا مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر^۲: مسئولیت کیفری نیابتی از این جهت در زمره مسئولیت‌های محض می‌آید که به موجب آن، کسی کیفر مترتب بر فعل دیگری را تحمل می‌کند. مسئولیت مدیران و یا کارفرمایان در قبال بعضی از فعالیت‌های کارمندان و کارگزارانشان در فرانسه، نمونه‌ای از این مورد است (شامبیاتی، ۱۳۸۸: ۱/۱۲۱ و ۱۲۲؛ اردبیلی، ۱۳۷۵-۱۳۷۴: ۲۲۵؛ استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۴۴۰). همچنین است مسئولیت کارفرمایان نسبت به کارگزارانشان در حقوق انگلیس (اردبیلی، همان).

به عنوان مثال، طبق ماده ۲۱ قانون راه‌های فرانسه مصوب ۱۵ دسامبر ۱۹۵۸، اگر راننده‌ای به دستور ارباب خویش نقض مقررات کند، دادگاه می‌تواند حسب مورد پرداخت تمام یا بخشی از جریمه را، بر عهده مالک (آمر) قرار دهد (صانعی، ۱۳۷۱: ۴۰۲/۲). همچنین در پرونده‌های دیگری در فرانسه، یک داروفروش به علت نقض قوانین دارویی که تهیه‌کننده او مرتکب شده بود، محکوم شده است (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۴۳۸)، و یا صاحب بنگاهی برای فروش کالای فاسد از سوی زیردستانش، به جرم فریبکاری در اوصاف اساسی کالا مجازات شده است (همان، ۴۳۹: ۳).

۲-۲- مصادیق جرائم محض در حقوق ایران

با اینکه در نگاه نخست مسئولیت کیفری محض در حقوق ایران غریب می‌نماید، می‌توان مصادیقی از آن را برشمرد. در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- جرم صدور چک بلامحل: در آغاز دوره جرم‌انگاری چک در ایران، جزای صدور چک بدون سوءنیت، سبک‌تر از حالت همراه با سوءنیت آن بود^۴. ماده واحده قانون مجازات صادرکنندگان چک بدون محل، مصوب ۱۳۱۲/۵/۸ که ذیل ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی آمد، مقرر می‌داشت: «(الف) - هر کس بدون داشتن محل اعم از وجه نقد یا اعتبار، چک

1. Criminal vicarious liability

2. Responsibilite pénal du faite d'utru

۳. در حقوق ایران نیز چند مصداق قانونی ذکر کرده‌اند (ر.ک: اردبیلی، ۱۳۷۵-۱۳۷۴: ۲۳۰ تا ۲۳۳). اما پذیرش این مسئولیت در حقوق ایران دشوار است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۳۲؛ خدابخشی، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

۴. هم اکنون در حقوق فرانسه چنین است. ر.ک: میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹: ۳۷۶، پانوش ۱.

صادر نماید ...» (ب) - هر کس از روی سوء نیت، بدون محل و یا بیشتر از محلی که دارد چک صادر کند ...» بنابراین، فقط جرم موضوع بند (الف) این ماده محض بود.

اکنون این تفکیک از میان رفته و طبق آخرین اصلاحات قوانین چک (در سال ۱۳۸۲)، صدور هر گونه چک بلامحل یا پرداخت ناشدنی، مسئولیت کیفری محض در پی دارد و برای تحقق، نیازی به سوء نیت مرتکب با حتی تقصیر او ندارد. پس حتی اگر صادرکننده به تصور اینکه به مقدار کافی در حساب خویش وجه دارد، یا با این نیت که تا زمان مراجعه دارنده به بانک آن را تأمین خواهد کرد، چکی صادر کند، همین که پرداخت صورت نگیرد کافی است تا جرم واقع شود. این جرم در حقوق ایران، به «جرم مادی محض» موسوم شده است (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ب: ۲۸۸؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸: ۳۷۵؛ ولیدی، ۱۳۷۳: ۳۲۳/۲).

۲- جرائم خلافی: در گذشته، دسته‌ای از جرائم با نام «خلافی» وجود داشت که هم اکنون در حقوق ایران جایگاه و عنوانی ندارد. برای تحقق چنین جرائمی به عنصر روانی نیاز نبود. این جرائم، عمدتاً مرتبط به نظم عمومی و دارای مجازاتی خفیف بودند. آیین‌نامه اصلاحی امور خلافی مصوب ۱۳۲۴/۵/۲۲، پاره‌ای از مصادیق چنین جرائمی را بر می‌شمرد که در آن‌ها موارد جالبی به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، ماده ۱ این آیین‌نامه، برای کسانی که «پرنده‌ها یا دام‌های زنده را آویزان حمل کنند یا به طور آویزان نگاه دارند» (بند ۱۲)، یا «پارچه‌های کثیف و زنده و بدمنظره را در گذرها و خیابان‌ها سایه‌بان دکان و مغازه خود قرار دهند» (بند ۲۱)، یا اینکه «کبوتر پرانی و بادبادک‌بازی یا در معابر و خیابان‌ها الک دولک بازی کنند»، دو تا پنج روز حبس در نظر گرفته بود.

همچنین ماده ۲ آیین‌نامه برای کسانی که «در گذرها و کوی‌ها و خیابان‌ها و امثال آن فرش تکان دهند یا بدون آب‌پاشی جارو کنند که گرد و غبار بلند شود» (بند ۱۴) و کسانی که «با اسب و امثال آن، و به طور کلی سواره از پیاده‌رو خیابان عبور نمایند» (بند ۲۵)، پنج تا هفت روز حبس پیش‌بینی کرده بود.

تخلیفات راهنمایی و رانندگی نیز در حقوق ایران از مصادیق جرائم خلافی است که برای تحقق خود نیازی به عنصر روانی (حتی تقصیر) ندارد (ولیدی، همان: ۲۷۸؛ صانعی، ۱۳۷۱: ۳۰۶/۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۳۲؛ گلدوزیان، ۱۳۸۸ الف: ۱۸۸). مانند: سرعت غیرمجاز، عبور از چراغ قرمز، توقف در محل ممنوع و ...

۳- جرائم علیه محیط زیست: در حقوق ایران، پاره‌ای مقررات پراکنده پیرامون حفاظت از محیط زیست وجود دارد که برای برخی اعمال، مسئولیت کیفری محض پیش‌بینی کرده‌اند:

الف- قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵ و قانون اصلاحی آن مصوب ۱۳۴۸/۱/۲۰، در ماده ۴۲ خود برای تهیه چوب و هیزم و زغال از منابع ملی و توده‌های جنگلی، حبس و جریمه پیش‌بینی کرده است. روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی یا کتک زدن آن (ماده ۴۶)، چرانیدن در جنگل‌ها و مراتع (ماده ۴۴)، و بریدن و ریشه‌کن کردن بوته‌ها و خارها در مناطق کویری (ماده ۴۲)، از دیگر جرائم این قانون هستند.

ب- قانون «اصلاح موادی از قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه بعدی آن» مصوب ۱۳۷۵/۹/۲۵، در ماده ۸ (اصلاحی ماده ۱۳) برای شکار جانوران کمیاب یا آلوده ساختن آب دریاها، حبس یا جزای نقدی در نظر گرفته است.^۱ همچنین است ماده واحده قانون مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر مصوب ۱۳۴۶/۱۲/۲۶.

ج- قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ در بند ۶ از قسمت (ب) ماده ۲۲، برای ایجاد هرگونه آلودگی که باعث خسارت به منابع آبی شود، جزای نقدی و تعطیلی موقت واحد آلاینده پیش‌بینی کرده است.

۴- به کارگماردن افراد زیر ۱۵ سال: قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به کارگماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام را ممنوع کرده (ماده ۷۹). ماده ۱۷۶ برای تخلف از این مقرر جزای نقدی و در صورت تکرار، ۹۱ تا ۱۸۰ روز حبس در نظر گرفته است. این، جرمی محض است و بنابراین، نیت دستگیری کارفرما یا نیاز کارگر توجیه‌گر آن نیست؛ همین که کارگری زیر ۱۵ سال داشته باشد، جرم محقق است. همچنین اشتباه کارفرما در تشخیص سن حقیقی کارگر مسموع نیست (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱۰۱/۱ و ۱۰۲).

۵- جرائم صنعتی: این جرائم، ناظر به فعالیت‌های تولیدی و صنعتی است که پیچیدگی سازمان تولید در آن‌ها، موجب ناشناخته ماندن عوامل تقصیر است و به فرض عمد نیز، نمی‌توان فاعل آن را شناسایی نمود (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۳). گاهی هم اهمیت تولیدات و خطر بالای ناشی از عیوب آن‌ها، قانونگذار را بر آن می‌دارد تا به گونه‌ای قاطع، هر قسم ناکارآمدی محصول را مجازات کند.

قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، برای خساراتی که از عیب کالا یا خدمات ناشی می‌شوند، تا چهار برابر میزان خسارت جزای نقدی پیش‌بینی کرده است (ماده ۱۸). برای تحقق این جرم، نیازی به تقصیر یا عمد تولیدکننده یا عرضه‌کننده نیست، کافی است کالا معیوب درآید و از این عیب، خسارتی به مصرف‌کننده وارد شود. همچنین در ماده ۱ از قانون «مواد خوردنی و

۱. برای دیدن جرائم پیش‌بینی شده در این قانون و مجازات آن‌ها، ن.ک: مواد ۵ تا ۸ قانون مذکور.

آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی» مصوب ۱۳۴۶/۴/۲۲ و اصلاحات بعدی آن، جرائمی به چشم می‌خورد که دست کم منوط به احراز تقصیر یا سوءنیت مرتکب نیست. به عنوان مثال، در بند (۴) همین ماده آمده است: «فروش و عرضه جنس فاسد و یا فروش و عرضه جنسی که موعده مصرف آن گذشته باشد»^۱.

۶- جرائم خطایی محض: «جنایات خطایی» را باید از مصادیق جرائم محض دانست. زیرا در آن‌ها، نه سوءنیت مرتکب شرط است و نه تقصیر او. تنها شرط تحقق آن‌ها، ایراد آسیب بدنی (جنایت) بر دیگری است (ر.ک: گرجی، ۱۳۸۷: ۱۳۱ و ۱۳۲). قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، در ماده ۲۹۲ چنین مقرر داشته است: «جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود: الف- در حال خواب و بی‌هوشی و مانند آن‌ها واقع شود؛ ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد؛ پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی‌علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید». بنابراین، حتی خواب و بی‌هوشی یا جنون مرتکب نیز مانع مسئولیت نیست.

۷- جرائم علیه مالکیت فکری: ماده ۲۳ از قانون «حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۳۴۸، برای نشر و پخش و عرضه آثار مورد حمایت دیگران به نام خود، مجازات در نظر گرفته است.^۲ ظاهراً قانونگذار برای تحقق این جرم، اثبات هیچ عنصر معنوی را ضروری نمی‌داند. این در حالی است که همین ماده، برای مجازات انجام افعال مزبور به نام پدیدآورنده و یا اشخاص ثالث (غیر از خود مرتکب)، احراز نوعی عمد یا تقصیر را ضروری دانسته است.

ماده ۲۳ مقرر می‌دارد: «هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود، یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او، و یا عالماً عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند، به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

۸- پاره‌ای مصادیق جرم «ورشکستگی به تقصیر»: ماده ۶۷۱ کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ برای ورشکسته به تقصیر شش ماه تا دو سال حبس تعیین کرده است. در آغاز، چنین به نظر می‌رسد که «ورشکستگی به تقصیر»، جز به تقصیر تاجر قابل تحقق نیست و همین امر، رکن روانی جرم را تشکیل می‌دهد. اما بعضی از مصادیق این جرم، همراه با

۱. همچنین ن.ک: بند (ب) ماده ۷ قانون «اصلاح بعضی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴» اصلاحی ۱۳۶۷/۲/۱۹.

۲. برای مطالعه سایر جرائم موضوع این قانون و مقررات مشابه آن و بحث تفصیلی آن‌ها، ر.ک. امامی، ۱۳۸۶: ۲۶۶ به بعد (ش ۱۱۹ به بعد).

چنین قطعیتی به نظر نمی‌رسند. بند ۴ ماده ۵۴۱ قانون تجارت یکی از این موارد است و تاجری را که «... یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد»، لزوماً ورشکسته به تقصیر اعلام می‌کند.

پس حتی اگر تاجر در این ترجیح حسن نیت داشته باشد و در رفتار او اهمالی نهفته نباشد، باز هم جرم محقق شده است. بنابراین، حتی اگر تاجر دین ناچیز یکی از بستانکاران را به دلیل وضع نامساعد مالی او و جلوگیری از متلاشی شدن خانواده‌اش، و یا درمان فرزند وی، پس از تاریخ توقف بپردازد، عناصر جرم تحقق یافته‌اند. همچنین است اگر هیچ ضرری از این اقدام برای بستانکاران برنخیزد (ر.ک: اسکینی، ۱۳۸۱: ۸۵ و ۸۶). به بیان دیگر، حتی اگر ترجیح تاجر همراه با مرجح (و نه بلا مرجح) باشد، در نظر قانون عذر به حساب نمی‌آید.^۱

۳- معیار تشخیص جرائم محض

پس از بررسی مصادیق مسئولیت کیفری محض در حقوق خارجی و داخلی، اکنون هنگام آن رسیده که معیاری برای تشخیص آن‌ها بیابیم. در این باره نظراتی هست که باید طرح و سپس تحلیل کرد.

۳-۱- نظرات

در ارائه معیاری برای تعیین جرائم محض، میان حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد:

۱- عده‌ای بر شدت مجازات و اهمیت جرم تأکید می‌کنند و بنابراین، تنها جرائم کوچک و کم اهمیت^۲ را که مجازاتی خفیف دارند در این دسته جای می‌دهند (صانعی، ۱۳۷۱: ۳۳۵/۱ و ۳۳۶: ولیدی، ۱۳۷۳: ۲۷۸/۲؛ بادینی، ۱۳۸۴: ۱۶۳). اینان معتقدند جرائم مهم را نباید در این زمره آورد. در همین راستا در حقوق کانادا، مسئولیت محض از جرائم دارای مجازات حبس استثناء شده است (Reid, 2008: 184). دادگاه‌های انگلیسی نیز، شدت و ضعف جرائم و مجازات آن‌ها را ملاکی در بکارگیری مسئولیت محض می‌دانند و بدین شکل، بسیاری از جرائم با مجازات‌های سبک را، بی‌نیاز از احراز تقصیر می‌دانند (Ashworth, 1992: 140-142).

۲- گروهی دیگر، بر عنصر «نگ»^۳ در جرائم تأکید می‌کنند و بر این مینا، جرائم را به دو دسته «ننگین»^۴ و «غیرننگین»^۵ تقسیم می‌کنند. طبق این تحلیل، تنها جرائمی را می‌توان در دسته محض

۱. همچنین ن.ک: بند ۱ از ماده ۵۴۲ قانون تجارت درباره موارد اختیاری ورشکستگی به تقصیر (ر.ک: اسکینی، همان: ۸۶؛ دمرچیلی و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۲۳ «شماره ۳ ذیل ماده ۵۴۱»).

2. Minor crimes
3. Stigma
4. Stigmatic
5. Non-stigmatic

(مادی صرف) قرار داد که از ارتکاب آن‌ها، ننگی بر نخیزد. در حالی که جرائم ننگین، لزوماً نیازمند عنصر روانی (سوءنیت) در مرتکب هستند و بدون آن قابلیت ارتکاب ندارند (Reid, 2008: 182). به عنوان مثال، از جرم پارک خودرو در محلی ممنوعه، ننگی بر نمی‌خیزد که قابل سرزنش باشد.^۱ اما در مقابل، سرقت یا قتل جنایی، همواره جرائمی ننگین هستند.

۳- تفکیک جرائم به «انضباطی» و «ذاتاً کیفری»، تقسیم‌بندی دیگری است که برای توجیه و توضیح ماهیت جرائم محض به کار گرفته شده. طبق این تقسیم، جرائم یا دارای ماهیتی کیفری هستند که ارتکاب آن‌ها را مستلزم سوءنیت می‌سازد، و یا فاقد چنین خصیصه‌ای هستند. دسته‌ی اخیر، در واقع برای حفظ رفاه عمومی و انضباط اجتماعی وضع شده‌اند. پس چنین جرائمی اصولاً «جرائم حقیقی»^۲ نیستند؛ بلکه جرائمی «شبه کیفری»^۳ هستند که به «تخلفات انضباطی»^۴ تعبیر می‌شوند. موضوع این جرائم، رفتارهایی است که از نظر اخلاقی ناشایست نیستند و از همین رو است که ننگی از آنان بر نمی‌خیزد و مجازات آنان نیز عمدتاً سبک است (Clarkson, 1987: 94; Ashworth, 1992: 143). استفانی و دیگران، (۱۳۷۷: ۳۶۹ و ۳۷۰). در نتیجه، بر هر عملی که این انضباط را برهم بزند، صرف‌نظر از نیت مرتکب آن، بار می‌شوند. با این توضیح، جرائم محض، لاجرم باید جزء دسته‌ی اخیر باشند.

۳-۲- جمع‌بندی

در مقام داوری میان این نظرات، باید صحت نسبی همگی را تأیید کرد. در توجیه ورود جرمی به حیطه‌ی جرائم محض، هم شدت و اهمیت آن ملاک است؛ هم ننگی که از ارتکاب آن برمی‌خیزد؛ و هم ماهیت انضباطی آن. با این حال، هیچ‌یک از این ضابطه‌ها به تنهایی برای شناساندن ماهیت جرائم محض کافی نیست. زیرا ممکن است پاره‌ای جرائم محض ننگی نسبی نیز داشته باشند (Stanton-IFE, 2007: 154) (مثل عبور با سرعت زیاد از چراغ قرمز) یا دست‌کم نسبت به پاره‌ای افراد، ننگین به حساب آیند (مثلاً برگشت خوردن چک بلامحل یک استاد دانشگاه یا یک روحانی محترم).

همچنین، گاهی مجازات جرائم محض از یک جریمه‌ی ساده می‌گذرد و حتی حبس‌های چندماهه را در بر می‌گیرد (مثل جرائم علیه محیط زیست). قانون جزای نمونه‌ی امریکا^۵

۱. برای دیدن دیدگاه متمایل به این نظر در حقوق ایران، ر.ک: صانعی، ۱۳۷۱: ۱/ ۳۲۷. «... در جرائم خلافی، به خاطر آنکه عمل مجرمانه اهمیت زیاد ندارد و مجازات‌های مقرر، شدید نبوده باعث زوال آبرو و حیثیت مرتکب جرم نمی‌شود، عملاً احراز خطای جزایی ضروری شناخته نشده ...».

2. Real crimes
3. Quasi-criminal offences
4. Regulatory violations
5. American Model Penal Code

پیشنهاد می‌کند که مجازات حبس، ملاکی قاطع برای به کار نگرفتن مسئولیت محض باشد. با این حال، دیوان عالی ایالات متحده^۱ چندان به این معیار پایبند نبوده و برای جرم نگاهداری نارنجک دستی بدون مجوز که تا ده سال حبس دارد، مسئولیت محض در نظر گرفته است (Ashworth, 1992: 140-142).

در پرونده‌ای دیگر، متهم به جرم نگهداری غیرقانونی سلاح گرم محکوم شد. هر چند تصور می‌کرد اسباب‌بازی پسرش را نگاه داشته. این جرمی است با حداکثر مجازات سه سال حبس و بعید است در زمره یک تخلف ساده درآید (Clarkson, 1987: 96).

از اینها گذشته، ماهیت «کیفری» یا «انضباطی» جرائم، تعبیری مبهم و نیازمند توضیح است. به عنوان مثال حتی جرمی چون فروش بلیت بخت‌آزمایی به اشخاص زیر سن قانونی را «ذاتاً کیفری» دانسته‌اند (Reid, 2008: 182). از سوی دیگر، هنگامی که از مسئولیت محض سخن می‌رود، لزوماً جرائم علیه «رفاه عمومی»^۲ منظور نیست و جرم محض می‌تواند شامل مواردی باشد که از نظر ماهیت، با سایر جرائم فرقی ندارند و مجازات‌شان نیز دست‌کمی از آن‌ها ندارد (Wasserstrom, 1960: 732).

اما از در کنار هم گذاردن این ملاک‌ها، می‌توان ضابطه‌ای قابل قبول به دست آورد؛ ضابطه‌ای منعطف که داوری عرف نیز می‌باید سهمی بسزا در آن داشته باشد. در واقع، همه نظریات در پی ارائه معیاری برای تشخیص «جرائم کیفری» از «جرائم انضباطی» هستند و هر یک، بر تفاوت ویژه‌ای در آن‌ها تأکید دارند. اما برای کشف ماهیت کیفری یا انضباطی یک جرم، مجموعه‌ای از معیارها لازم است و باید به چند متغیر توجه داشت: ۱- ننگ متعارفی که حسب شرایط و اوضاع متفاوت، از ارتکاب جرم برمی‌خیزد. ۲- اهمیت هنجار و ارزشی که جرم آن را مورد تجاوز قرار داده: نوع و میزان مجازات، خود ملاکی برای این ارزیابی است. ۳- حتی صرف نظر از ننگ و اهمیت یک جرم، داوری عرف «قبیح اخلاقی» آن را می‌سنجد و حسب مورد، دارای ماهیتی «کیفری» یا «اداری» می‌شناسد.

از اینها گذشته، پاره‌ای از این معیارها به هم وابسته‌اند و در یکدیگر اثر می‌گذارند. مثلاً تقسیم جرائم به کیفری و انضباطی، خود می‌تواند در کنترل ننگ اجتماعی مؤثر و در واقع هدایت‌گر آن باشد. دسته‌بندی برخی جرائم در قالب «انضباطی»، القاکننده آن است که ارتکاب آنان ننگی در بر ندارد (Reid, 2008: 187). به این درک و احساس نیز باید احترام گذاشت و برای تشخیص یک جرم محض، برآیند همه این ملاک‌ها را لحاظ کرد.

1. American Supreme Court
2. Public welfare offenses

۴- قواعد عمومی جرائم محض

در پایان، باید قواعد عمومی اقسام پراکنده جرائم محض را گرد آورد. این امر، هم به شناخت بهتر ماهیت آن‌ها کمک می‌کند و هم نظامی منطقی برای مطالعه آن‌ها فراهم می‌آورد. در این زمینه، باید دانست که همه جرائم محض از یک سنخ نیستند. پس راه کشف احکام پراکنده آن‌ها، پذیرش مبانی متفاوت آن‌ها است. بنابراین هر دسته از آن‌ها را باید جداگانه بررسی کرد تا معلوم شود از کدام جهت «محض» هستند.

۱- جرائم رفتاری: پاره‌ای از جرائم محض، رابطه‌ای مستقیم با انضباط عمومی و اداره جامعه دارند؛ در تحقق آن‌ها بروز خسارت یا نتیجه معین شرط نیست و تجاوز از هنجارهای اجتماعی، به خودی خود تخلف محسوب می‌شود (ر.ک: استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۶۹ و ۳۷۰). ضمانت اجراها نیز عمدتاً محدود به جریمه یا یک جزای نقدی خفیف است. «جرم رفتاری» می‌تواند عبارت مناسبی برای نشان دادن ماهیت چنین افعالی باشد. بنابراین در این جرائم، اثبات بی‌تقصیری هم نمی‌تواند متخلف را از تحمل عواقب هنجارشکنی برهاند. همچنین است تأثیر عوامل رافع مسئولیتی مانند جنون، صغر، اشتباه و اضطرار. در واقع ارتکاب چنین جرائمی «تقصیر ذاتی»^۱ (*per se*) است (ر.ک: لوگرو، به نقل از استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۶۸؛ اردبیلی، ۱۳۷۹: ۲۵۱/۱؛ صانعی، ۱۳۷۱: ۳۲۷/۱ و ۳۲۸).

تخلفات راهنمایی و رانندگی و برخی جرائم علیه محیط زیست را باید در این دسته جای داد.^۲ پس اگر ثابت شود شخصی در دوره جنون ادواری خویش با اتومبیل از چراغ قرمز عبور کرده یا با سرعتی غیرمجاز رانده است، موجبی برای کاستن از مسئولیت او نیست.^۳ همچنین است قطع غیرمجاز درختان یا آلوده کردن آب رود.

با این همه، مسئولیت ناشی از جرائم رفتاری مطلق نیست: شرط آن، رابطه سببیت میان عمل متهم و تخلف است. پس اثبات هر عاملی که این رابطه را قطع کند، کیفر او را از میان می‌برد.^۴ از این جمله است اثبات قوه قاهره و هر آنچه در حکم آن باشد؛ مانند اجبار و اکراه تحمل ناپذیر. پس اگر ثابت شود که انجام حرکات مارپیچ و یا سرعت غیرمجاز در خیابان ناشی از مزاحمت اجتناب‌ناپذیر راننده

۱. «همین که خواننده یک وظیفه قانونی را نقض کند، تقصیر رخ داده است».

۲. ماهیت این جرائم، بیشتر با جرائم بدون بزه‌دیده سازگار است. در این زمینه، ر.ک: رهامی، ۱۳۸۷: ۴۷. همچنین ر.ک: شامیاتی، ۱۳۸۸: ۲۳۱/۱.

۳. با این حال قوانین ایالت اوریگون (Oregon) امریکا، دفاع «جنون» را در مورد تخلف «رانندگی با گواهینامه فاقد اعتبار (تعلیق شده)» می‌پذیرد: (Bergelson, 2011: 58).

۴. برای دیدن نظری که علاوه بر قطع رابطه سببیت، اثبات فقد عنصر روانی را نیز در تخلفات رانندگی مؤثر می‌داند، ر.ک: صانعی، ۱۳۷۱: ۳۰۶/۱.

دیگری بوده و متخلف در واقع برای دفع خطر از خود چنین کرده است، قابل سرزنش نیست (Bergelson, 2011: 64-66).^۱ در عوض، راننده مزاحم که رفتار او در حکم قوای قاهر بروز یافته، سبب اقوی در نظر گرفته می‌شود و بدین شکل، رابطه سببیت میان تخلف و عمل وی برقرار خواهد شد.

۲- فرض تقصیر ابطال‌ناپذیر: دسته دیگری از جرائم محض، هدف حمایت از قربانی یا زیان‌دیده را نیز پشت سر خود دارند و معمولاً مقید به نتیجه‌اند. در این موارد، قانونگذار به طور معمول از طرف ضعیف‌تر در برابر کسی که قدرت یا موقعیت ویژه‌ای دارد حمایت می‌کند (Wasserstrom, 1960: 743-744). جرم‌انگاری این دسته از جرائم مبتنی بر تقصیری است که قانونگذار برای متخلف فرض کرده. اما این فرض را نمی‌توان با اثبات «بی‌تقصیری» ابطال کرد؛ تنها در برخی موارد، دفاعیات ویژه‌ای شنیده می‌شود. یعنی خلاف فرض تقصیر را تنها در موارد معینی می‌توان اثبات کرد و تعیین این موارد در هر جرمی اصولاً با قانونگذار است. به همین دلیل تنها برخی از عوامل رافع مسئولیت در این جرائم مسموع‌اند. اما قطع رابطه سببیت بین فعل مرتکب و نتیجه جرم، همواره در زمره دفاعیات قابل پذیرش است.

جرم اصدار چک بلامحل از این گونه است که هم به حمایت از مدعی خصوصی نظر دارد، هم در پی صیانت از امنیت اقتصادی و معاملاتی جامعه است (گلدوزیان، ۱۳۸۸ ب: ۲۸۰). چنین جرمی را هم جنون و صغر و اجبار و اکراه (نه اشتباه و اضطرار) منتفی می‌سازند (ولیدی، ۱۳۷۳: ۳۲۳/۲ و ۳۲۴). و هم مستند ساختن عدم پرداخت به فعل مستقیم دیگری (مانند ادعای جعل یا مفاد ماده ۱۹ ق. صدور چک ۱۳۸۲). در حقوق خارجی، رابطه جنسی با افراد زیر شانزده سال یا فروش الکل به ایشان و در حقوق ایران، ترجیح یکی از بستانکاران بر دیگران پس از تاریخ توقف و به کار گرفتن افراد زیر پانزده سال از این قبیل‌اند. عمده جرائم صنعتی و دارویی را نیز باید در این دسته جای داد. *مجموعه مقالات فقهی*
پس به ترتیب، دفاع اکراه و اغفال در برقراری رابطه جنسی، و اضطرار (و نه اشتباه)^۲ در فروش الکل به صغیر، مسموع است؛ مانند فروش الکل به صغیر در شرایط اضطراری و به منظور بی‌حسی برای انجام یک عمل جراحی مهم (Bergelson, 2011: 66). در حقوق ایران نیز می‌توان به دفاع جعلی بودن شناسنامه نوجوان، یا پرداخت دین یکی از بستانکاران در اجرای حکم دادگاه تمسک جست.

۱. در این پرونده (State v. Brown) متهم اعلام داشت پس از اینکه در اثر مزاحمت دیگری ناچار به تخلف شده، متوجه شده است که ماشین مزاحم پشت سر او، اتومبیل پلیس بوده و پس از اینکه متوجه امر شده، بلافاصله اتومبیل را متوقف کرده است. دادگاه وی را مجاز به طرح این دفاع دانست، منتها به دلیل عدم احراز حقیقت (مرحله اثبات نه ثبوت) او را محکوم ساخت.

۲. قانون جزای نمونه ایالات متحده (MPC)، دفاع اشتباه در سن کودک را در جرم سرو مشروب برای او، نمی‌پذیرد. این در حالی است که دفاع اکراه و اغفال را پذیرفته است (Bergelson, 2011: 58 and 75).

تولیدکننده کالا و دارو نیز علاوه بر امکان انتساب عیب به عمل یا واقعه دیگر، می‌تواند با این عذر که تشخیص و رفع عیب خارج از توان علمی و فنی زمان تولید بوده است، از مسئولیت برهد؛ یعنی آنچه «خطر توسعه»^۱ می‌نامند (Goldberg, 2002: 167-168). این خود عذر ویژه‌ای است که قانونگذاران به‌طور معمول می‌پذیرند و از فرض تقصیر خود استثناء می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۴۳ و ۴۸-۴۹). در حالی که اثبات «بی‌تقصیری در ایجاد عیب»، تأثیری در مسئولیت ندارد (همان، ۱۷۹ و ۱۸۰).

۳- فرض تقصیر ابطال‌پذیر: در پاره‌ای از جرائم محض متهم می‌تواند با اثبات «مراقبت کامل»^۲ یا «کمال کوشش»^۳ خویش؛ یعنی با نشان دادن اینکه هیچ تقصیری از رفتار او برنخاسته است، از مسئولیت بگریزد. چنین مفهومی از مسئولیت محض، با رویکرد کانادایی آن سازگار است (Ashworth, 1992: 136-137). پس این جرائم مبتنی بر «فرض ساده تقصیر»^۴ هستند و بنا به قاعده باید بتوان مسئولیت ناشی از آن‌ها را با اثبات کلیه عوامل موجهه جرم^۵ و عوامل رافع مسئولیت^۶ نیز از میان برد (ر.ک: صانعی، ۱۳۷۱: ۱/۳۲۶-۳۲۷، ۳۳۵-۳۳۶، ۴۰۲). حقوق کانادا و استرالیا، دفاع عمومی کمال کوشش را بر تمامی مصادیق جرائم محض قابل اعمال دانسته‌اند. اما حقوق انگلیس، رویکردی گزینشی در این زمینه دارد و در موارد مختلف، به گونه‌ای متفاوت برخورد می‌کند (Clarkson, 1987: 98-99). در حقوق کشورهای کانادا، استرالیا و برخی ایالت‌های امریکا، این دفاع که عمل سهواً^۷ از فاعل سر زده نیز در بعضی از جرائم محض مسموع است (Bergelson, 2011: 77). پرواز زیر ارتفاع مجاز در حقوق امریکا را باید از این دسته دانست؛ جرمی که قاعدتاً هم جنون و اجبار و اشتباه^۸ و اضطرار و فورس ماژور باید در آن مسموع باشد، و هم به‌کار بستن تلاش یک خلبان متعارف در شرایط وقوع حادثه (= بی‌تقصیری).

در حقوق ایران نیز جرم نشر و پخش یا عرضه آثار دیگری به نام خود را باید در این دسته جای داد: قانونگذار در جرم انتشار و پخش اثر «به نام خود»، فرض را بر علم و عمد و سوءنیت گذارده است، چون غالباً چنین است. بنابراین، باید به مرتکب اجازه داد جهل خویش را ثابت و «فرض» قانونگذار را نقض کند. همچنین است جرم موضوع بند ۲ ماده ۱ قانون «مواد خوردنی و

۱. le risque de developpment/ Development risk defence طبق مقررات مربوطه در حقوق انگلیس، اگر تولیدکننده ثابت کند که «وضع دانش علمی و فنی در زمان قرار گرفتن محصول در چرخه تولید به گونه‌ای نبوده که کشف عیب را ممکن سازد»، از مسئولیت رهایی می‌یابد.

2. Due care

3. Due diligence

4. Res ipsa loquitur

5. Justifications

6. Excuses

7. Unwittingly

۸. چنین اشتباهی می‌باید سهوی، و غیرقابل استناد به متهم باشد؛ یعنی اشتباه، خود از تقصیر متهم برنخاسته باشد. همچنین، اشتباه باید معقول و متعارف (Reasonable mistake of fact) باشد (Bergelson, 2011: 69).

آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی» درباره فروش و عرضه جنس فاسد.

۴- اتلاف: پاره‌ای دیگر از جرائم محض، کاملاً منطبق بر قواعد «اتلاف» در مسئولیت مدنی هستند. به این بیان که «جرم» در آن‌ها، معادل اضرار به غیر است و عنصر «مجازات» نیز در آن‌ها ماهیت پرداخت خسارت دارد. ماهیت مدنی این جرائم سبب شده قواعد مسئولیت مدنی (اتلاف) در آن‌ها جاری باشد. یعنی: منوط به تحقق نتیجه (بروز ضرر) هستند؛ نیاز به اثبات تقصیر ندارند و با اثبات بی‌تقصیری نیز زائل نمی‌شوند؛ عوامل رافع مسئولیت در انتفاء آن‌ها اثری ندارد؛ قطع رابطه سببیت میان عمل و نتیجه (ضرر)، آن‌ها را منتفی خواهد ساخت.^۱

در حقوق ایران، دیه که مجازات مترتب بر جنایات غیر عمدی است، از این‌گونه است. به ویژه آنجا که سخن بر سر جنایات خطایی محض است، مفهوم «اتلاف» نمایان است. این نکته، در قانون جدید مجازات اسلامی به خوبی مورد اشاره قرار گرفته است. ماده ۴۵۲ این قانون مقرر می‌دارد: «دیه حسب مورد حق شخصی مجنی‌علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد...».

۵- سبب اقوی از مباشر: گروه دیگری از جرائم محض در واقع بر وجه نوینی از نظریه «سبب اقوی از مباشر» استوارند، اگرچه در ظاهر بی‌گناهی را مجازات می‌کنند. به این بیان که چون مرتکب از نظر اجرایی و یا مدیریتی تحت کنترل کامل دیگری قرار دارد و در واقع به عنوان بازوی اجرایی سازمان او اقدام می‌کند، باید مدیر سازمان را مسئول دانست. مرتکب در اینجا در کنار سایر اسباب و دستگاه‌های فیزیکی سازمان قرار می‌گیرد و سرنخ تخلفات و اشتباهات او را باید در دستان هدایت‌گر اصلی مجموعه جستجو کرد.

مسئولیت کیفری ناشی از فعل دیگری، بر همین مبنا توجیه می‌شود (بادینی، ۱۳۸۴: ۱۳۱، پانوش ۴۱۳؛ و در پذیرش محدود این مبنا، ر.ک: استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۴۴۰). از همین رو، هر آنچه فرض اقوی بودن سبب را منتفی سازد، مسئولیت نیابتی را نیز زائل می‌کند. پس اگر مباشر (کارگر) به عمد از مقررات تخلف ورزد، شخصاً مسئول خواهد بود (اردبیلی، ۱۳۷۵-۱۳۷۴: ۲۳۵ و ۲۳۶؛ کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱/۵۰۱ تا ۵۰۳). زیرا عمد مرتکب، رابطه سببیت دور میان رفتار کارفرما و جرم را قطع می‌کند و عامد، مسئول نزدیک عواقب عمل عمدی خود خواهد بود. همچنین هر چه رابطه علیت میان اقدامات یا کاهلی کارفرما و حادثه (جرم) را از میان بردارد، مانع مسئولیت وی خواهد بود. زیرا در این فرض نیز او «سبب اقوای» جرم نبوده است.^۲

۱. برای دیدن احکام و ویژگی‌های اتلاف، ر.ک: (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱/۱۴۵ تا ۱۴۷).

۲. کاتوزیان، همان، ۲۳۸: «هرگاه بروز حادثه به علت بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی مجنی‌علیه و یا معلول قوای قهری غیرقابل دفع مستقل از تخطی کارفرما از مقررات باشد، در این صورت فقط مسئولیت تخطی از مقررات مذکور متوجه کارفرما خواهد بود».

نتیجه‌گیری

- ۱- مسئولیت محض مسئولیتی استثنایی است که برای تحقق، نیازی به همه ارکان مسئولیت ندارد. مسئولیت مدنی محض، معمولاً بی‌نیاز از عامل تقصیر و مسئولیت کیفری محض، فارغ از اثبات رکن روانی جرم است؛ خواه به شکل سوءنیت باشد یا تقصیر.
- ۲- معیار شناسایی جرائم محض را باید تلفیقی از ماهیت جرم، سنگینی مجازات، و ننگی که از آن برمی‌خیزد دانست؛ ملاکی که فهم عرف، هدایت‌گر آن است و در هر موردی، قضاوتی متفاوت دارد.
- ۳- برای شناسایی قواعد عمومی جرائم محض، باید آنها را دسته‌بندی کرد زیرا همه آن‌ها همگون نیستند: پاره‌ای از آن‌ها مبتنی بر احکام «اتلاف» و قواعد مسئولیت مدنی هستند. ارتکاب برخی دیگر از آن‌ها به معنای تحقق تقصیر است و تنها کافی است رفتار موضوع آن‌ها از سوی کسی انجام شود (رابطه سببیت). پاره‌ای بر فرض تقصیری استوارند که با اثبات رفتار متعارف متهم یا حسن‌نیت او زائل نمی‌شود و تنها در موارد معینی نقض‌شدنی است. برخی بر نظریه سبب اقوی از مباشر استوارند؛ و در نهایت، بعضی از آن‌ها مبتنی بر یک فرض تقصیر ابطال‌پذیر هستند که می‌توان با اثبات بی‌تقصیری، از میانش برد.
- ۴- به ساز و کاری هوشمند نیاز است تا درباره جرائم محض داوری کند. نظامی که معین کند کدام دسته از آن‌ها باید کیفرزدایی و مضمول مقررات مدنی شوند، کدام دسته در عین ابقای به عنوان جرائم محض، به دفاع «مراقبت کامل» تجهیز شوند و کدام دسته از جرائم کماکان می‌توانند به عنوان جرائم محض در معنای حقیقی خود بر جای بمانند.

منابع

الف- فارسی

۱. اردبیلی، محمد علی؛ حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲. اردبیلی، محمد علی؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۲.
۳. اردبیلی، محمد علی؛ مسئولیت کیفری ناشی از فعل دیگری در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز ۱۳۷۴ تا بهار ۱۳۷۵، شماره ۱۶ و ۱۷.
۴. استفانی، گاستون؛ ژرژ لواسور و برنار بولوک؛ حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۵. اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، تهران، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
۶. امامی، اسدالله، حقوق مالکیت معنوی، جلد اول، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۷. بادینی، حسن: *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۸. خدابخشی، عبدالله، *استقلال و پیوند حقوق مدنی و کیفری*، تهران، فکرسازان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۹. دمرچیلی، محمد و دیگران: *قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی*، تهران، میثاق عدالت، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۱۰. شامبیانی، هوشنگ: *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، تهران، انتشارات مجد، چاپ چهاردهم (نوبت اول)، ۱۳۸۸.
۱۱. _____: *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران، انتشارات مجد، چاپ پانزدهم (دوم انتشارات)، ۱۳۸۸.
۱۲. رهامی، محسن: *جرایم بدون بزه دیده*، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۳. صانعی، پرویز: *حقوق جزای عمومی*، جلد اول و دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم (نوبت اول)، ۱۳۷۱.
۱۴. کاتوزیان، ناصر: *الزامهای خارج از قرارداد (دوره سه جلدی)*، جلد اول، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۹.
۱۵. _____: *مسئولیت ناشی از عیب تولید*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۱۶. کلارکسون، سی. ام. وی: *تحلیل مبانی حقوق جزا*، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۷۱.
۱۷. گرجی، ابوالقاسم: *اندیشه‌های حقوقی، مفاهیم بنیادین حقوق مدنی و جزایی*، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۸. گلدوزیان، ایرج: *بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)*، تهران، میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۳ (الف).
۱۹. _____: *حقوق جزای اختصاصی*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۳ (ب).
۲۰. میرمحمدصادقی، حسین: *حقوق کیفری اختصاصی ۲*، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، میزان، چاپ ۲۴، ۱۳۸۸.
۲۱. ولیدی، محمد صالح: *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران، دفتر نشر داد، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

ب- لاتین

22. Abraham, Kenneth S; 2011, *Strict Liability in Negligence*, University of Virginia, School of Law, August 15.
23. Ashworth, Andrew; 1991, *Principles of Criminal Law*, New York, Oxford University Press, first published 1991, reprinted 1992.
24. Bergelson, Vera; 2011, *a Fair Punishment for Humbert Humbert: Strict Liability and Affirmative Defenses*, Rutgers Law School- Newark, New Criminal Law Review, Vol. 14, No. 1.
25. Bergkamp, Lucas; 2000, *The Commission's White Paper on Environmental Liability: A Weak Case for an EC Strict Liability Regime*, Hunton & Williams, Draft 15.02.
26. Bouzat, Pierre et Jean Pinatel; 1970, *Traite de Droit Pénal et de Criminologie*, Tome 1, Droit Pénal Général, Paris, Librairie Dalloz, Deuxième Édition.
27. Clarkson, C.M.V; 1987, *Understanding Criminal Law*, Fontana Press, First Published.
28. Cole, Kevin; 1990, *Killings during crime: toward a discriminating theory of strict liability*, American criminal law review, Vol. 28, No. 1.
29. Goldberg, Richard; 2002, *Paying for Bad Blood: Strict Product Liability after the Hepatitis C Litigation*, Medical Law Review, No. 10.
30. Keating, Gregory C; 2011, *Nuisance as a Strict Liability Wrong*, Journal of Tort Law, September 8, USC CLEO Research Paper No. C11-11, USC Legal Studies Research Papers No. 11-19.